



هزینه واقعی جنگ عراق بیش از 3 تریلیون دلار است

تحلیگران واشنگتن پست در مقاله‌ای به تشریح هزینه واقعی جنگ عراق پرداخته و آنرا خیلی بیش از برآوردهایی مثل پیش‌بینی‌های دولت "بوش" در سال 2003 که هزینه جنگ را 50 میلیارد تا 60 میلیارد دلار پیش‌بینی کرد، می‌دانند.

تحلیگران واشنگتن پست در مقاله‌ای به تشریح هزینه واقعی جنگ عراق پرداخته و آنرا خیلی بیش از برآوردهایی مثل پیش‌بینی‌های دولت "بوش" در سال 2003 که هزینه جنگ را 50 میلیارد تا 60 میلیارد دلار پیش‌بینی کرد، می‌دانند. به گزارش فارس، پایگاه اینترنتی روزنامه "واشنگتن پست" در مقاله‌ای به قلم "جوزف ای. استیگلیتز" (Joseph E. Stiglitz) استاد دانشگاه کلمبیا، رئیس شورای مشاوران اقتصادی بیل کلینتون و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال 2001 و "لیندا جی. بیلمز" (Linda J. Bilmes) مدرس ارشد در سیاستگذاری در دانشگاه هاروارد به تشریح هزینه‌های جنگ عراق پرداخته و می‌نویسند: در سال 2008 نوشتیم که هزینه کلی جنگ ایالات متحده در عراق 3 تریلیون دلار است. این رقم برآوردهای قبلی را کمتر نشان می‌داد. برآوردهایی مثل پیش‌بینی‌های دولت "بوش" در سال 2003 که هزینه جنگ را 50 میلیارد تا 60 میلیارد دلار پیش‌بینی کرد. اما امروزه که ایالات متحده جنگ در عراق را پایان بخشیده است به نظر می‌رسد که برآورد 3 تریلیون دلاری ما (که هم مخارج دولت و هم تاثیر گسترده جنگ بر اقتصاد آمریکا را محاسبه کرده بود) بسیار کم بوده است. مثلا هزینه تشخیص، درمان و جبران سربازان معلول از آنچه ما انتظار داشتیم بیشتر شده است. علاوه بر این، با گذشت دو سال، برای ما مشخص شد که برآورد ما هزینه متداول درگیری را شامل نمی‌شد یعنی آنچه که در دسته ممکن است باشد قرار دارد یا آنچه که اقتصاددانان هزینه فرصت می‌نامند. بسیاری فکر می‌کنند که در نبود حمله عراق، ما همچنان درگیر افغانستان بودیم. هم‌چنین ممکن است بپرسیم: اگر جنگ در عراق نبود، قیمت نفت به سرعت بالا می‌رفت؟ بدهی دولت بالا بود؟ بحران‌های اقتصادی شدید بود؟ پاسخ چهار سوال بالا احتمالاً، خیر بود. درس اصلی اقتصاددانان این است که منابع هم پول و هم توجه و مراقبت کمیاب هستند. آنچه به عراق اختصاص یافت، در جای دیگری قابل دسترس نبود.

#8226& موفقیت در افغانستان همواره گریزان خواهد بود

این مقاله سپس به جنگ افغانستان پرداخته و می‌افزاید: تهاجم عراق، توجه ما را از جنگ افغان که امسال دهمین سال آن است، منحرف کرد. در حالی که موفقیت در افغانستان همواره گریزان خواهد بود. اگر که از مسیر اصلی منحرف نمی‌شدیم، ممکن بود کنترل بیشتر را بر طالبان داشته باشیم و از تلفات کمتری رنج ببریم. در سال 2003 - سالی که به عراق حمله کردیم - ایالات متحده هزینه 14.7 میلیارد دلاری در افغانستان را متوقف کرد (کمتر از 20 میلیارد دلار در سال 2002) در حالی که ما 53 میلیارد دلار را در عراق ریختیم. در سال‌های 2004، 2005 و 2006 ما چهار برابر هزینه‌ای که در افغانستان شد را در عراق داشتیم.

#8226& بی‌ثباتی در قیمت نفت

نویسندگان این مقاله در ادامه به بی‌ثباتی قیمت نفت در هنگام جنگ عراق و تاثیر آن بر اقتصاد جهانی اشاره کرده و می‌نویسند: هنگامی که ایالات متحده برای جنگ به عراق رفت، قیمت نفت از بشکه‌ای 25 دلار کمتر بود و بازار انتظار داشت که در همان حد باقی بماند. با جنگ، قیمت‌ها شروع به رشد کردند و در سال 2008 به 140 دلار در هر بشکه رسید. جنگ و تاثیرات آن در خاورمیانه، بزرگترین تولیدکننده نفت دنیا، عامل اصلی آن بود. تولید نفت عراق قطع شد و بی‌ثباتی که جنگ به خاورمیانه آورد، سرمایه‌گذاری در منطقه را تضعیف کرد.

در برآورد 3 تریلیون دلاری دو سال پیش ما، جنگ را برای افزایش 5 دلار برای هر بشکه سرزنش کردیم. امروز باور داریم که برآورد واقعی‌تر نسبت به تاثیر جنگ بر قیمت‌ها، منجر به حداقل 10 دلار در هر بشکه می‌شود و این حداقل 250 میلیارد دلار در برآورد ما در هزینه‌های مستقیم جنگ اضافه می‌کند. اما هزینه این افزایش در اینجا متوقف نمی‌شود، قیمت‌های بالایی نفت اثر مخربی بر اقتصاد داشت.

#8226& افزایش بدهی‌های دولت

استیگلیتز و بیلمز در بخش دیگری از گزارش خود به افزایش بدهی‌های دولت ایالات متحده در زمان جنگ عراق پرداخته و تصریح می‌کنند: جنگ عراق به طور قابل ملاحظه‌ای به بدهی‌های دولت افزود. این نخستین بار در تاریخ آمریکا بود که دولت هنگامی که به جنگ رفت، مالیات‌ها را کاهش داد. و نتیجه آن جنگی بود که بنیادش بر قرض بود. بدهی آمریکا از 6.4 تریلیون دلار در مارس 2003 به 10 تریلیون دلار در 2008 افزایش یافت (پیش از بحران‌های مالی). حداقل یک چهارم این افزایش مربوط به جنگ است. و این شامل مراقبت‌های بهداشتی و پرداخت‌هایی از کارافتادگی برای معلولان نمی‌شود که نیم تریلیون دلار دیگر به بدهی‌ها می‌افزاید. نتیجه جنگ پرهزینه که بر اساس وام سرمایه‌گذاری شده بود این شد که خانه مالی ما حتی پیش از زمان بحران مالی، شکل ملال‌انگیزی به خود داشت.

#8226& جنگ عراق و بحران مالی

نویسندگان واشنگتن پست معتقد هستند که بحران مالی بین‌المللی به جنگ مربوط می‌شود. افزایش قیمت نفت بدین معنی است که پولی که صرف خرید نفت در خارج می‌شود، پولی است که در خانه خرج نمی‌شود. در ضمن، هزینه‌های جنگ ترقی اقتصادی کمتری را فراهم کرد. پرداخت به پیمانکاران خارجی که در عراق کار می‌کنند نه انگیزه موثر کوتاه مدت بود (نه در مقایسه با هزینه آموزش، زیرساخت یا تکنولوژی) نه یک زیربنا برای رشد بلند مدت.

گفتن اینکه چه خواهد بود همیشه دشوار است، خصوصاً مساله‌ای به پیچیدگی بحران مالی جهانی که فاکتورهای مرتبط زیادی دارد. شاید بحران در هر زمینه‌ای اتفاق می‌افتاد. اما یقیناً با هزینه بیشتر در خانه و بدون نیاز به چنین نرخ بهره‌هایی و مقررات ملایم برای پیشبرد اقتصاد، عواقب شکست آن کمتر بود. جنگ غیر مستقیم به مقررات و سیاست‌های پولی مصیبت‌بار مربوط است.

جنگ عراق تنها به تشدید بحران مالی مربوط نمی‌شود بلکه ما را از پاسخگویی موثر آن بازداشت. افزایش بدهی‌ها بدین معنی است که دولت فضای کمتری برای مانور دارد. خصوصاً نگرانی درباره بدهی و کسری بودجه آن‌ها را به این امر وامی‌دارد تا توانایی ما را برای پاسخگویی به بحران اقتصادی متوقف کند. با بالا بودن نرخ بیکاری، کشور به یک انگیزه دوم احتیاج دارد. اما افزایش بدهی‌های دولت از این کمبود حمایت می‌کند. نتیجه این است که نسبت به زمانی که جنگ نیست، بحران اقتصادی طولانی‌تر، تولید کمتر، بیکاری بیشتر و کسری بودجه گسترده‌تر می‌شود.

تحلیلگران واشنگتن پست در انتهای گزارش خود در زمینه جنگ آمریکا در عراق می‌نویسند: تصور دوباره تاریخ، تمرین خطرناکی است. با این حال به نظر می‌رسد که بدون این جنگ، آمریکایی‌ها نه تنها در دنیا بالاتر می‌ایستادند بلکه اقتصاد ما هم قوی‌تر می‌شد. امروز سوال این است که: آیا از این اشتباه پر هزینه درس خواهیم آموخت؟